

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال دوم شماره ۶ تابستان ۱۳۸۶

نقش برون‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی و خلق مثبت و منفی در پردازش اطلاعات هیجانی

پروین رفیعی‌نیا - دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر پرویز آزاد فلاح - دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران
دکتر علی فتحی آشتیانی - استاد مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه... تهران
دکتر کاظم رسول‌زاده طباطبایی - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در پژوهش حاضر براساس فرضیه همگرایی با هیجان، نقش ابعاد شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در پردازش اطلاعات هیجانی و نقش تعدیل‌کننده خلق مثبت و منفی در این رابطه، بررسی شد. ابتدا ۶۵۴ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه تربیت مدرس، نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه شخصیتی آیزنک (EPQ-R) را تکمیل نمودند؛ سپس براساس نمره‌های انتهایی توزیع در دو بعد شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی، ۴ گروه برون‌گرا، درون‌گرا، روان‌آزرده و پایدار هیجانی (هر گروه ۳۰ نفر)، انتخاب شدند. برای هر یک از آزمودنی‌ها در دو جلسه با فاصله دو تا چهار هفته، کاربندی آزمایشی اعمال گردید؛ یعنی در یک جلسه خلق مثبت و در جلسه دیگر، خلق منفی به آنها القا شد. پس از هر مرتبه القا خلق، آزمودنی‌ها سه تکلیف‌شناختی یادآوری آزاد، درجه‌بندی احتمال و تکمیل داستان را انجام دادند. با توجه به نتایج به دست آمده، افراد برون‌گرا، در موقعیت خلقی مثبت نسبت به موقعیت خلقی منفی، قضاوت و تفسیر مثبت‌تر، و افراد روان‌آزرده در موقعیت خلقی منفی نسبت به موقعیت خلقی مثبت، قضاوت و تفسیر منفی‌تری داشتند؛ اما در تعداد واژه‌های مثبت و منفی یادآوری شده به وسیله افراد برون‌گرا و افراد روان‌آزرده، بین دو موقعیت خلقی مثبت و منفی تفاوت معناداری وجود نداشت. در مجموع نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که صفات شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی به گونه همگرا با هیجان بر قضاوت و تفسیر اطلاعات هیجانی تأثیر می‌گذارند و نیز بر نقش تعدیل‌کننده حالت‌های خلقی در قضاوت و تفسیر افراد برون‌گرا و روان‌آزرده تأکید می‌ورزد.

واژه‌های کلیدی: برون‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی، همگرایی با هیجان، خلق، پردازش اطلاعات.

درک راه‌های ارتباطی حالت‌های هیجانی، صفات شخصیتی و فرایندهای شناختی، یک موضوع مهم برای پژوهشگرانی است که به ارتباط بین عاطفه و شناخت علاقه‌مند هستند. مطالعات نشان داده‌اند که پردازش محرک هیجانی (یا محرکی که محتوای هیجانی دارد) هم با حالت جاری خلق و هم با صفات پایدار مرتبط است (به عنوان، مثال راستینگ^۱ و لارسن^۲، ۱۹۹۸؛ راستینگ، ۱۹۹۹؛ زلنسکی^۳ و لارسن، ۲۰۰۲). این موضوع، این احتمال را ایجاد می‌کند که صفات شخصیتی مرتبط با حالت‌های خلقی، پیش‌بینی کننده سودمند پردازش انتخابی اطلاعات هیجانی هستند (گومز^۴ و همکاران، ۲۰۰۲).

در حوزه هیجان، عاطفه مثبت^۵ و عاطفه منفی^۶ به عنوان «دو بعد عاطفی عمده» ظاهر می‌شوند؛ به گونه مشابه، در حوزه شخصیت نیز، دو بعد اصلی برون‌گرایی^۷ و روان‌آزردگی‌گرایی^۸، به عنوان «دو بعد شخصیتی عمده» در نظر گرفته می‌شوند. چندین مطالعه شواهدی را ارائه می‌دهند که برون‌گرایی با عاطفه مثبت و روان‌آزردگی‌گرایی با عاطفه منفی ارتباط قابل توجهی دارد (کاستا^۹ و مک‌کری^{۱۰}، ۱۹۸۰؛ لارسن و کتلاار^{۱۱}، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱؛ راستینگ و لارسن، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷؛ راستینگ، ۱۹۹۹؛ گومز و همکاران، ۲۰۰۰؛ رابینسون^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۷).

نظریه گری^{۱۳} (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۸۹؛ به نقل از لارسن و کتلاار، ۱۹۹۱) یکی از نظریه‌هایی است که براساس آن می‌توان حساسیت هیجانی متمایز برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی را تبیین نمود. مطابق با نظریه گری، برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی، تفاوت‌های فردی در نیرومندی نسبی دو نظام فعال‌ساز رفتاری (BAS)^{۱۴}

1- Rusting

3- Zeleneski

5- positive affect

7- extraversion

9- Costa

11- Ketelaar

13- Gray

2- Larsen

4- Gomez

6- negative affect

8- neuroticism

10- McCrae

12- Robinson

14- Behavioral Activation System (BAS)

و نظام بازداری رفتار^۱ (BIS) را بازنمایی می‌کنند. مطابق با این نظریه، مؤلفه زودانگیختگی برون‌گرایی، فعالیت BAS قوی یا حساسیت بالا به نشانه‌های پاداش؛ و مؤلفه اضطراب روان‌آزردگی‌گرایی، فعالیت BIS قوی یا حساسیت بالا به نشانه‌های تنبیه را بازنمایی می‌کند (راستینگ، ۱۹۹۹). لارسن و کتلار (۱۹۸۹، ۱۹۹۱) بر این باورند که این حساسیت به پاداش و تنبیه ممکن است با حساسیت‌های هیجانی مرتبط باشد. عاطفه مثبت از مواجهه با نشانه‌های پاداش و عاطفه منفی از مواجهه با نشانه‌های تنبیه ناشی می‌شود. این حساسیت‌ها به پاداش و تنبیه، نشان می‌دهد که برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی ممکن است به ترتیب با پردازش اطلاعات هیجانی مثبت و منفی مرتبط باشند. افراد برون‌گرا بایستی بیشتر اطلاعات مثبت یا پاداش‌دهنده را از حافظه بازیابی کنند (و قضاوت‌های مثبت داشته باشند) و افراد نورووتیک نیز بایستی بیشتر اطلاعات تنبیه‌کننده یا منفی را از حافظه بازیابی کنند (و قضاوت‌های منفی داشته باشند) (راستینگ، ۱۹۹۹).

از سوی دیگر، نظریه‌ها و پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که حالت‌های خلقی و صفات شخصیتی به گونه همگرا با هیجان^۲، برحافظه و قضاوت و فرایندهای شناختی دیگر تأثیر می‌گذارند (باور^۳، ۱۹۸۱، ۴، ۱۹۹۱؛ راستینگ، ۱۹۹۹؛ فورگاس^۴، ۱۹۹۴). اغلب مطالعات بررسی‌کننده آثار خلق بر پردازش اطلاعات هیجانی، از نظریه‌های شبکه ارتباطی عاطفه و حافظه، مانند «نظریه شبکه عاطفی»^۵ باور (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) سرچشمه می‌گیرند. در نظریه شبکه عاطفی باور، هر هیجان به وسیله یک گره هیجانی مربوط بازنمایی می‌شود. گره هیجانی اساساً شبکه شناختی مرکبی از خاطرات و شناخت‌های مربوط به آن هیجان خاص است. وقتی هیجانی تجربه می‌شود، گره هیجانی مرتبط، فعال می‌شود و رویدادهای گذشته و باورهای همراه با آن هیجان به ذهن آورده می‌شوند. این نظریه عنوان می‌کند که یک گره هیجانی خاص، به وسیله هیجان مرتبط،

1- Behavioral Inhibition System (BIS)
3- Bower
5- network theory of affect

2- emotion congruent
4- Forgas

توجه، ادراک، حافظه، تفسیر و قضاوت مربوط با آن هیجان را فرا می‌خواند.

یکی از فرضیه‌های اصلی برگرفته شده از نظریه شبکه عاطفی، فرضیه همگرایی با خلق^۱ (باور، ۱۹۹۱، ۱۹۸۱) است. طبق این فرضیه، حالت‌های خلقی مثبت بایستی بیشتر گرایش به قضاوت‌های مثبت و بازیابی خاطرات مثبت و حالت‌های خلقی منفی نیز بایستی بیشتر گرایش به قضاوت‌های منفی و بازیابی خاطرات منفی را افزایش دهند. در این راستا، برخی شواهد برای قضاوت همگرا با خلق (فورگاس، ۱۹۹۰؛ مایر^۲ و همکاران، ۱۹۹۲؛ باربر^۳، ۲۰۰۱)، یادآوری همگرا با خلق (آیزن^۴ و همکاران، ۱۹۷۸؛ مایر و همکاران، ۱۹۹۵) و دیگر فرایندهای شناختی همگرا با خلق (فرارو^۵ و همکاران، ۲۰۰۳) وجود دارد. برخی نیز یافته‌های متضاد به دست آورده‌اند (پاروت^۶ و سابینی^۷، ۱۹۹۰، اربر و اربر^۸، ۱۹۹۴)؛ به گونه‌ای که افراد در شرایط خلق منفی، خاطرات مثبت را بازیابی می‌کنند.

درباره عوامل مرتبط با پردازش اطلاعات هیجانی، فرضیه همگرایی با صفت^۹ (راستینگ، ۱۹۹۸)، بیانگر آن است که افراد بیشتر اطلاعاتی را پردازش می‌کنند که از لحاظ محتوای هیجانی با صفات غالب آنها همگرا است. برخی مطالعات اخیر (گومز^{۱۰} و گومز، ۲۰۰۲؛ گومز و همکاران، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴؛ پاروت^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۵) نتایجی همسو با این فرضیه به دست آورده‌اند. نظریه‌های موجود در این رابطه، از نظریه‌های شبکه ارتباطی (مانند نظریه شبکه عاطفی باور، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱) که بر آثار خلقی موقت تمرکز می‌کند تا نظریه‌های متمرکز بر ساختارهای پایدارتر حافظه، مانند، نظریه طرحواره خویشتن^{۱۲}، گسترده‌اند؛ بنابراین پردازش همگرا با هیجان، می‌تواند نتیجه

1- mood-congruency hypothesis
3- Barber
5- Ferraro
7- Sabini
9- trait-congruency hypothesis
11- Parrott

2- Mayer
4- Isen
6- Parrot
8- Erber & Erber
10- Gomez
12- self schema

روان‌بندهای پایدار مرتبط با هیجان‌های خاص نیز باشد. مطابق با این رویکرد، تجارب مهم گذشته در ساختار شناختی مرکب از خاطرات، نگرش‌ها و تصورات نقش دارند و ادراک و واکنش به رویدادهای در حال وقوع را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

گرچه در رابطه با اثر تلفیقی شخصیت و خلق بر فرایندهای شناختی، مطالعاتی صورت گرفته است (برادلی^۱ و ماگ^۲، ۱۹۹۴؛ اسمیت و پتی، ۱۹۹۵؛ راستینگ و لارسن، ۱۹۹۸؛ راستینگ، ۱۹۹۹؛ گومز و همکاران، ۲۰۰۲؛ زلنسکی و لارسن، ۲۰۰۲؛ تایمر^۳ و رایینسون^۴، ۲۰۰۴؛ جانسون^۵ و لاند^۶، ۲۰۰۶)؛ نتایج آنها هماهنگ نیست. بخشی از این ناهماهنگی به نوع خلق مطالعه شده، یعنی خلق طبیعی در مقابل خلق دستکاری شده، و بخشی نیز به نوع تکالیف مورد استفاده مربوط است.

با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با پژوهش حاضر، از یک سو، اغلب مطالعات، تنها آثار یکی از متغیرهای خلق یا صفات را بر فرایندهای شناختی بررسی نموده‌اند، که تعیین نقش تعاملی صفات و حالت‌های خلقی بر پردازش اطلاعات هیجانی را مشکل می‌سازد و از سوی دیگر، اغلب مطالعات بررسی‌کننده آثار خلق بر پردازش اطلاعات، بر خلق طبیعی و یا خلق در بیماران روانی (دنی^۷ و هانت^۸، ۱۹۹۲؛ جوزفسون^۹ و همکاران، ۲۰۰۰؛ فولام^{۱۰} و دولان^{۱۱}، ۲۰۰۶) تمرکز کرده‌اند، بنابراین نقش حالت‌های خلقی دستکاری شده در رابطه بین شخصیت - شناخت در افراد معمولی، ناآشکار است و به اعتقاد راستینگ (۱۹۹۸)، مطالعاتی که به گونه مستقیم بررسی کنند که آیا اثر همگرایی با صفت، به وسیله حالت خلقی اخیر تعدیل می‌شوند، عملاً وجود ندارند؛ بنابراین بررسی رابطه شخصیت با پردازش (یادآوری، قضاوت و تفسیر) اطلاعات هیجانی و نقش تعدیل‌کننده حالت‌های خلقی موقت (دستکاری شده) در این

1- Bradley
3- Taimer
5- Jansson
7- Denny
9- Josephson
11- Dolan

2- Mogg
4- Robinson
6- Lundh
8- Hunt
10- Fullam

رابطه ضروری می‌نماید؛ با این فرض که اثر یک صفت شخصیتی بر پردازش اطلاعات هیجانی در موقعیت خلقی مثبت، نسبت به موقعیت خلقی منفی می‌تواند متفاوت باشد.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی ممکن است به ترتیب به پردازش اطلاعات هیجانی مثبت و منفی مرتبط باشند. از سوی دیگر، فرض بر این است که حالت‌های خلقی موقت نیز در میزان پردازش اطلاعات هیجانی مثبت یا منفی نقش دارند؛ بنابراین سؤال این است که آیا صفات شخصیتی پایدار به تنهایی تعیین‌کننده میزان پردازش (قضاوت، یادآوری و تفسیر) اطلاعات هیجانی مثبت یا منفی هستند؟ یا این که حالت‌های خلقی دستکاری شده موقت، می‌توانند رابطه بین صفت شخصیتی و پردازش هیجانی را تعدیل نمایند؟ در واقع پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال‌ها است که چه تفاوتی در میزان پردازش اطلاعات هیجانی مثبت افراد برون‌گرا در موقعیت خلقی مثبت در مقایسه با موقعیت خلقی منفی، و نیز چه تفاوتی در میزان پردازش اطلاعات هیجانی منفی افراد روان‌آزرده در موقعیت خلقی منفی در مقایسه با موقعیت خلقی مثبت، وجود دارد.

روش

طرح پژوهش

در پژوهش حاضر، آزمودنی‌های اصلی به گونه تصادفی انتخاب نشده‌اند؛ عضویت افراد در گروه‌ها (۴ گروه) نیز به گونه غیرتصادفی بوده است. همچنین آزمودنی‌ها، دو بار در معرض کاربندی آزمایشی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین طرح این پژوهش، از نوع طرح‌های شبه تجربی^۱ و اندازه‌های مکرر^۲ است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دختر (غیر از دانشجویان روانشناسی) دانشگاه

1- quasi-experimental

2- repeated measures design

تربیت مدرس در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴ بودند. ابتدا ۶۵۴ نفر از این دانشجویان، نسخهٔ تجدیدنظر شده پرسشنامه شخصیتی آیزنک^۱ (مقیاس برون‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی و دروغ) را تکمیل نمودند؛ سپس ۱۲۰ نفر از آنها براساس نمره‌های انتهایی توزیع در دو بعد برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی، برای چهار گروه برون‌گرا، درون‌گرا، روان‌آزرده و پایدار هیجانی (هر گروه ۳۰ نفر)، به عنوان آزمودنی‌های اصلی (با میانگین سنی، ۲۶/۰۸؛ و انحراف استاندارد، ۳/۱۱) انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه شخصیتی آیزنک: این پرسشنامه در ابتدا به وسیلهٔ آیزنک و آیزنک (EPQ؛ ۱۹۷۵) طراحی و سپس به وسیلهٔ آیزنک و همکاران (EPQ-R، ۱۹۸۵) تجدیدنظر شده است. این نسخه دارای ۱۰۰ ماده است که ۲۳ ماده آن مربوط به مقیاس برون‌گرایی، ۲۴ ماده آن، مربوط به مقیاس روان‌آزردگی‌گرایی، ۳۲ ماده آن مربوط به مقیاس روان‌پریشی‌گرایی^۲ و ۲۱ ماده آن مربوط به مقیاس دروغ^۳ (مطلوبیت اجتماعی) است. آیزنک و همکاران (۱۹۸۵)، اعتبار و همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) مقیاس‌های برون‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی و دروغ را به ترتیب در مردان، ۰/۹۰، ۰/۸۸، و ۰/۸۲ و در زنان ۰/۸۵، ۰/۸۵ و ۰/۷۹ به دست آوردند و در این پژوهش نیز به ترتیب، ۰/۷۶، ۰/۸۴ و ۰/۶۷ به دست آمد.

الف: **القا خلق:** از ترکیب دو شیوهٔ القاء خلق؛ یعنی تصویرسازی ذهنی هدایت شده^۴ براساس متن کوتاه^۵ و موسیقی برای القاء حالت‌های خلقی مثبت و منفی استفاده شد. ترکیب شیوهٔ تصویرسازی ذهنی هدایت شده و موسیقی، از مؤثرترین روش‌ها برای القاء خلق است (مایر و همکاران، ۱۹۹۵).

الف: تصویرسازی ذهنی هدایت شده براساس متن‌های کوتاه: به منظور تهیه متن‌های کوتاه

1- Eysenck Personality Questionnaire- Revised (EPQ-R) 2- psychoticism
3- lie 4- guided imagery
5- vignette

برای القا خلق، ابتدا ده موقعیت دارای محتوای هیجانی مثبت و ده موقعیت دارای محتوای هیجانی منفی مشابه با رویدادهای مثبت یا منفی توصیف شده به وسیله لارسن و کتلار (۱۹۹۱) و مایر و همکاران (۱۹۹۵) تهیه و سپس براساس ارزیابی ۳۹ دانشجو، دو متن توصیف‌کننده شادترین موقعیت و دو متن توصیف‌کننده غمگین‌ترین موقعیت، به ترتیب برای القا خلق شاد و خلق غمگین انتخاب شدند. برای القا خلق، از آزمودنی‌ها خواسته می‌شد که پس از خواندن هر متن، به مدت سه دقیقه، در حالی که به موسیقی خوشایند و یا ناخوشایند گوش می‌دهند، تجربه رویدادهای توصیف شده در متن‌ها را به طور واضح تصور کنند. قبل از این که آزمودنی‌ها متن‌های کوتاه را بخوانند، به آنها گفته می‌شد که بعد از این تکلیف، آنها باید بخش‌هایی از متن و موقعیت تصویرسازی شده را یادآوری کنند و این که اگر آنها واقعاً بتوانند خودشان را در آن موقعیت قرار دهند، آنها باید بهتر بتوانند آن موقعیت را یادآوری کنند. هدف اصلی از این دستورالعمل این بود که اطمینان کسب شود که آزمودنی‌ها تحریک می‌شوند که موقعیت‌ها را به میزان مناسبی تصور کنند (اقتباس از راستینگ، ۱۹۹۹).

ب - موسیقی: برای تهیه موسیقی مورد نظر، ابتدا چند قطعه موسیقی شاد و غمگین ایرانی انتخاب و در اختیار ۱۰ نفر از دانشجویان قرار داده شد تا محتوای هیجانی قطعه‌ها را درجه‌بندی کنند؛ سپس دو قطعه موسیقی شاد و دو قطعه موسیقی غمگین به عنوان شادترین و غمگین‌ترین قطعه‌ها، برای تکمیل روش القا خلق مثبت و منفی انتخاب شدند. موسیقی‌های انتخاب شده (به منظور گسترش خلق مثبت یا منفی القا شده)، از بلندگوی کامپیوتر پخش می‌شد و به آزمودنی‌ها گفته می‌شد لازم است که در سرتاسر جلسه به این موسیقی‌ها گوش دهند و پس از آن دو متن کوتاه، یکی پس از دیگری با فاصله سه دقیقه به آزمودنی‌ها ارائه می‌شد.

تکالیف‌شناختی: در این پژوهش سه تکلیف‌شناختی مشابه با تکلیف‌های مورد استفاده راستینگ (۱۹۹۹) و زلنسکی و لارسن (۲۰۰۲)، برای بررسی پردازش اطلاعات هیجانی استفاده شد که این تکلیف‌ها عبارتند از:

الف- تکلیف تکمیل داستان: برای تهیه این تکلیف، ابتدا ۱۸ جمله توصیف‌کننده موقعیت مبهم از لحاظ هیجانی، تهیه و سپس براساس ارزیابی ۳۶ دانشجو، دو جمله‌ای که میانگین نمره به دست آمده آنها بسیار نزدیک به هم بود به عنوان دو فرم موازی به منظور از بین بردن اثر انتقال^۱ (اثر انجام تکلیف در جلسه اول بر جلسه دوم)، انتخاب شدند. و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شد که با در نظر گرفتن آن موقعیت، توصیف کنند که در آن موقعیت، شخصیت داستان چه افکار و احساساتی دارد و ادامه آن را به شکل یک داستان در صفحه‌ای بنویسند. برای انجام این تکلیف، به آزمودنی‌ها پنج دقیقه وقت داده شد. به منظور ارزیابی این تکلیف، دو داور مستقل و ناآگاه از فرضیه پژوهش، محتوای هیجانی مثبت و منفی هر داستان را روی دو مقیاس جداگانه از ۱ تا ۵، درجه‌بندی نمودند. با میانگین گرفتن از درجه‌بندی‌های دو داور، محتوای هیجانی مثبت و منفی هر داستان به دست آمد.

ب- تکلیف یادآوری آزاد: برای تهیه این تکلیف، ابتدا فهرستی از ۲۳۸ واژه شامل واژه‌هایی با محتوای هیجانی مثبت، منفی و خنثی انتخاب و در اختیار ۲۵ نفر از دانشجویان روانشناسی قرار داده شد تا محتوای هیجانی واژه‌ها را روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از ۱ (بسیار ناخوشایند یا منفی) تا ۷ (بسیار خوشایند یا مثبت) درجه‌بندی کنند؛ سپس براساس نتایج حاصل از درجه‌بندی دانشجویان، از میان واژه‌هایی که بیشترین میانگین نمره، واژه‌هایی که میانگین نمره نزدیک به ۴ و واژه‌هایی که کمترین میانگین نمره را به خود اختصاص داده بودند، به ترتیب، ۱۲ واژه دارای محتوای هیجانی مثبت، ۱۲ واژه خنثی و ۱۲ واژه منفی، پس از جور کردن آنها از لحاظ تعداد حروف و فراوانی کاربرد روزمره، به عنوان واژه‌های نهایی انتخاب شدند. برای اجرای این تکلیف، از آزمودنی‌ها خواسته شد که خوشایندی - ناخوشایندی هر واژه را روی یک مقیاس از ۱ (بسیار ناخوشایند) تا ۵ (بسیار خوشایند) درجه‌بندی کنند و برای انجام آن، به آزمودنی‌ها چهار دقیقه وقت داده شد. بلافاصله پس از این درجه‌بندی‌ها،

1- carry-over-effect

به آزمودنی‌ها یک آزمون یادآوری داده شد که در آن به آنها سه دقیقه وقت داده می‌شد تا هر چند واژه از آن فهرست را که می‌توانند به یاد بیاورند روی یک کاغذ بنویسند. نمره این تکلیف به وسیله جمع زدن تعداد واژه‌هایی از هر ارزش هیجانی (مثبت یا منفی) که آنها به گونه درست یادآوری کرده بودند، محاسبه شد. اعتبار و همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) برای واژه‌های مثبت، ۰/۹۰ و برای واژه‌های منفی، ۰/۸۲ به دست آمد.

ج- تکلیف درجه‌بندی احتمال: از میان عبارات مقیاس درجه‌بندی احتمال زلنسکی و لارسن (۲۰۰۲)، ۱۶ عبارت، شامل ۸ عبارت مثبت و ۸ عبارت منفی که احتمال رویدادی را در آینده توصیف می‌کنند، انتخاب و با اندکی تغییر، برای این تکلیف استفاده شدند. شیوه درجه‌بندی این مقیاس، از ۱ (اصلاً اتفاق نخواهد افتاد) تا ۷ (به احتمال بسیار زیاد اتفاق خواهد افتاد) بود. اعتبار و همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) مربوط به درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت، ۰/۸۰ (جلسه اول) و ۰/۹۳ (جلسه دوم)، و برای درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت ۰/۸۳ (جلسه اول) و ۰/۹۲ (جلسه دوم) به دست آمد.

مقیاس عاطفه منفی و عاطفه مثبت: به منظور بررسی اثر دستکاری خلق، خلق افراد قبل و بعد از دستکاری، به وسیله مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی^۱ (PANAS؛ واتسون^۲ و همکاران، ۱۹۸۸) اندازه‌گیری شد این مقیاس، شامل ۱۰ ماده مربوط به عاطفه مثبت و ۱۰ ماده مربوط به عاطفه منفی است. مقایسه نمره خلق قبل و بعد از کاربردی، تفاوت معناداری ($p < 0/001$) را بین خلق آزمودنی‌ها در پیش از القا و پس از آن نشان داد. واتسون و همکاران (۱۹۸۸)، اعتبار و همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) مقیاس‌های عاطفه مثبت را از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و عاطفه منفی را از ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ و رتبه‌بندی کرده‌اند. و در این پژوهش نیز مقدار آن برای عاطفه مثبت، ۰/۸۴ تا ۰/۹۳ و برای عاطفه منفی، ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ به دست آمده است.

1- positive affect and negative affect scale 2- Watson

روند اجرای آزمایش

افرادی که بر اساس پرسشنامه شخصیتی آیزنک به عنوان آزمودنی‌های اصلی انتخاب شده بودند، در دو جلسه با فاصله دو هفته تا یک ماه و به گونه فردی، آزمایش شدند. مراحل اجرای آزمایش (در هر دو جلسه) یکسان بود: پس از ورود آزمودنی‌ها به آزمایشگاه و تکمیل فرم مشخصات فردی آنها، در مورد هدف آزمایش و تکلیف‌هایی که می‌بایست انجام می‌دادند، توضیحاتی به آنها داده شد. آزمودنی‌ها ابتدا مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی را دقیقاً بر اساس احساس کنونی خود، تکمیل می‌کردند؛ سپس خلق مثبت یا منفی، با دو ترتیب تصادفی از قبل تعیین شده در درون گروه‌ها (نیمی از افراد چهار گروه، در جلسه اول خلق مثبت و در جلسه دوم خلق منفی و نیمی دیگر از آنها برعکس) و به مدت شش دقیقه القا می‌شد. پس از شش دقیقه، آزمودنی‌ها مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی را دوباره تکمیل می‌کردند. پس از آن، تکالیف شناختی با دو ترتیب تصادفی متفاوت از قبل تعیین شده در درون گروه‌ها و در هر حالت خلقی ارائه شد (نیمی از افراد هر گروه در دو شرایط خلقی، ابتدا تکلیف درجه‌بندی احتمال و سپس تکلیف یادآوری آزاد و تکلیف تکمیل داستان را انجام می‌دادند و نیمی برعکس). در پایان هر جلسه، از آزمودنی‌ها قدردانی و در پایان جلسه دوم هدیه‌ای نیز به آنها تقدیم شد.

یافته‌ها

به منظور بررسی نقش دو بعد شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی (متغیرهای پیش‌بین) در پیش‌بینی عملکرد در تکالیف شناختی (متغیر ملاک)، با در نظر گرفتن نمره‌های آزمودنی‌ها در دو بُعد برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی (متغیر فاصله‌ای)، به جای گروه‌های شخصیتی (متغیر طبقه‌ای)، چند تحلیل رگرسیون گام به گام انجام شد که به نتایج این تحلیل‌ها اشاره می‌شود. در این روش، متغیرهای پیش‌بین با توجه به شدت ارتباطشان با متغیر ملاک (از قوی‌ترین ارتباط تا ضعیف‌ترین ارتباط) به ترتیب وارد معادله شده و متغیرهای پیش‌بین که سهم معناداری در افزایش دقت پیش‌بینی متغیر ملاک نداشته‌اند، وارد معادله نشده‌اند.

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز ▶
 سال دوم شماره ۶، تابستان ۱۳۸۶ ▶

ابتدا از چند تحلیل رگرسیون گام به گام به منظور تعیین سهم دو بعد شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در پیش‌بینی عملکرد در تکالیف‌شناختی با توجه به موقعیت خلقی مثبت استفاده شد. جدول ۱ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی مثبت را نشان می‌دهد

جدول (۱) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی مثبت

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت)	۱	برون‌گرایی	۰/۵۲	۶/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۹۱	۴۳/۰۰	۰/۰۰۱
	۲	برون‌گرایی روان‌آزردگی	۰/۴۴ -۰/۲۷	۵/۶۴ -۳/۴۷	۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱	۰/۳۴	۰/۸۷	۲۹/۵۵	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، متغیر برون‌گرایی ۲۷ درصد واریانس عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت را تعیین می‌کند که با اضافه شدن متغیر پیش‌بین دوم (روان‌آزردگی‌گرایی)، ضریب تعیین برای عملکرد در این تکلیف، ۳۴ درصد می‌شود. جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی مثبت را نشان می‌دهد.

جدول (۲) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی مثبت

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی)	۱	روان‌آزردگی	۰/۳۶	۴/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۱۳	۰/۹۹	۱۸/۲۳	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تنها متغیر روان‌آزردگی گرای، ۱۳ درصد واریانس عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی را تعیین می‌کند. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف یادآوری آزاد (واژه‌های منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرای در موقعیت خلقی مثبت را نشان می‌دهد.

جدول (۳) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف یادآوری آزاد (واژه‌های منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرای در موقعیت خلقی مثبت

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
یادآوری آزاد (واژه‌های منفی)	۱	برون‌گرایی	-۰/۲۵	-۲/۸۹	۰/۵۰۰	۰/۰۶	۱/۸۶	۸/۳۷	۰/۰۰۵

باتوجه به نتایج جدول ۳، تنها متغیر برون‌گرایی، ۶ درصد واریانس عملکرد در تکلیف یادآوری آزاد واژه‌های منفی را تعیین می‌کند. جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی-گرای در موقعیت خلقی مثبت را نشان می‌دهد.

جدول (۴) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرای در موقعیت خلقی مثبت

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
تکمیل داستان (محتوای مثبت)	۱	روان‌آزردگی گرای	-۰/۴۲	-۵/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۱۸	۱/۰۵	۲۶/۳۵	۰/۰۰۱
	۲	روان‌آزردگی گرای برون‌گرایی	-۰/۳۸ ۰/۱۷	-۴/۴۴ ۲/۰۱	۰/۰۰۱ ۰/۰۴	۰/۲۱	۱/۰۳	۱۵/۵۵	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر روان‌آزردگی‌گرایی ۱۸ درصد واریانس عملکرد در محتوای مثبت داستان را تعیین می‌کند که با اضافه شدن متغیر پیش‌بین دوم (برون‌گرایی)، ضریب تعیین برای عملکرد در این تکلیف، به ۲۱ درصد می‌رسد. جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی مثبت را نشان می‌دهد.

جدول (۵) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی مثبت

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
تکمیل داستان	۱	روان‌آزردگی‌گرایی	۰/۳۱	۳/۶۵	۰/۰۰۱	۰/۱۰	۱/۰۵	۱۳/۳۹	۰/۰۰۱
(محتوی منفی)	۲	روان‌آزردگی‌گرایی برونگرایی	۰/۲۷ -۰/۱۸	۴/۴۴ -۲/۰۹	۰/۰۰۱ ۰/۰۴	۰/۲۱	۱/۰۳	۹/۰۷	۰/۰۰۱

باتوجه به جدول ۵، متغیر روان‌آزردگی‌گرایی ۱۰ درصد واریانس عملکرد در محتوای منفی داستان را تعیین می‌کند که با اضافه شدن متغیر پیش‌بین دوم (برون‌گرایی)، ضریب تعیین برای عملکرد در این تکلیف، ۱۳ درصد می‌شود.

چون هیچ‌یک از متغیرهای برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی رابطه معناداری با عملکرد در تکلیف یادآوری آزاد واژه‌های مثبت نداشته‌اند، بنابراین وارد معادله نشده و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای این رابطه معنادار نبود. همان‌گونه که نسبت F و ضرایب رگرسیون تحلیل‌های بالا نشان می‌دهد، در موقعیت خلقی مثبت، رابطه متغیر برون‌گرایی با متغیرهای درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت و محتوای مثبت داستان، مستقیم و معنادار ($p < 0/001$) و با متغیرهای یادآوری واژه‌های منفی و محتوای منفی داستان، معکوس و معنادار ($p < 0/001$) است و رابطه متغیر روان‌آزردگی‌گرایی با متغیرهای درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت و محتوای مثبت داستان،

معکوس و معنادار ($p < 0/001$) و با متغیرهای درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی و محتوای منفی داستان، مستقیم و معنادار ($p < 0/001$) است.

از چند تحلیل رگرسیون گام به گام نیز به منظور تعیین سهم دو بعد شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در پیش‌بینی عملکرد در تکالیف شناختی با توجه به موقعیت خلقی منفی استفاده شد.

جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکالیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی منفی را نشان می‌دهد.

جدول (۶) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکالیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی منفی

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت)	۱	روان‌آزردگی	-۰/۴۹	-۶/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۵	۰/۹۵	۳۹/۲۱	۰/۰۰۱
	۲	روان‌آزردگی‌گرایی برون‌گرایی	-۰/۴۱ ۰/۳۴	-۵/۲۶ ۴/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۳۴	۰/۸۸	۳۲/۰۹	۰/۰۰۱

همان‌گونه در جدول ۶ مشاهده می‌شود، متغیر روان‌آزردگی‌گرایی ۲۵ درصد واریانس عملکرد در تکالیف درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت را تعیین می‌کند که با اضافه شدن متغیر پیش‌بین دوم (برون‌گرایی)، ضریب تعیین برای عملکرد در این تکالیف، به ۳۴ درصد می‌رسد. جدول ۷ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکالیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی‌گرایی در موقعیت خلقی منفی را نشان می‌دهد.

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
- ▶ سال دوم شماره ۶، تابستان ۱۳۸۶

جدول (۷) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرایبی در موقعیت خلقی منفی

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی)	۱	روان‌آزردگی- گرایبی	۰/۴۱	۴/۹۴	۱/۰۰	۰/۱۷	۱/۰۶	۲۴/۴۷	۰/۰۰۱

جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرایبی در موقعیت خلقی منفی را نشان می‌دهد.

جدول (۸) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای مثبت) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرایبی در موقعیت خلقی منفی

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
تکمیل داستان (محتوی مثبت)	۱	روان‌آزردگی گرایبی	-۰/۲۹	-۳/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۰۸	۰/۰۶	۱۰/۶۳	۰/۰۰۱

جدول ۹ نتایج تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرایبی در موقعیت خلقی منفی را نشان می‌دهد.

جدول (۹) تحلیل رگرسیون متغیر عملکرد در تکلیف تکمیل داستان (محتوای منفی) بر متغیر برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرایبی در موقعیت خلقی منفی

متغیرهای ملاک	گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب بتا	نسبت t	سطح معناداری t	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	F نسبت	سطح معناداری F
تکمیل داستان (محتوی مثبت)	۱	روان‌آزردگی گرایبی	۰/۳۶	۴/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۳	۱/۱۳	۱۷/۶۳	۰/۰۰۱

نتایج ارائه شده در جداول ۷، ۸ و ۹ نشان می‌دهد که تنها متغیر روان‌آزردگی گرایبی، به ترتیب ۱۷ درصد واریانس عملکرد در تکلیف درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی، ۸ درصد واریانس عملکرد در محتوای مثبت داستان و ۱۳ درصد واریانس عملکرد در محتوای منفی داستان را تبیین می‌کند و متغیر برون‌گرایی، به دلیل این که سهم معناداری در افزایش دقت پیش‌بینی متغیر ملاک نداشته، وارد معادله‌ها نشده است.

چون هیچ‌یک از متغیرهای برون‌گرایی و روان‌آزردگی گرایبی رابطه معناداری با عملکرد در تکالیف یادآوری آزاد واژه‌های مثبت و منفی نداشته‌اند، بنابراین وارد معادله نشده و تحلیل رگرسیون برای این رابطه‌ها معنادار نبود. همان‌گونه که نسبت F و ضرایب رگرسیون تحلیل‌های بالا نشان می‌دهد، در موقعیت خلقی منفی، رابطه متغیر برون‌گرایی با متغیر درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت، مستقیم و معنادار ($p < 0/001$) است و رابطه متغیر روان‌آزردگی گرایبی با متغیرهای درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت و محتوای مثبت داستان، معکوس و معنادار ($p < 0/001$) و با متغیرهای درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی و محتوای منفی داستان، مستقیم و معنادار ($p < 0/001$) است.

به منظور بررسی آثار اصلی ابعاد شخصیتی و خلق بر عملکرد در تکالیف شناختی، داده‌ها با استفاده از چند تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر ۴ گروه (برون‌گرا، درون‌گرا، روان‌آزرده و پایدار هیجانی) 2×2 موقعیت خلقی (مثبت و منفی) تحلیل شد. که نتایج آن در جدول ۱۰ منعکس شده است. در تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر، باید فرض همسانی کوواریانس وجود داشته باشد. نتایج آزمون کرویت موشلی^۱ برای همسانی کوواریانس‌ها در تمام تحلیل‌ها نشان داد که این آزمون معنادار ($P > 05/0$) نیست؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همسانی ماتریس واریانس-کوواریانس درون‌خانه‌ای برقرار است؛ همچنین نتایج همبستگی‌های بین متغیرها حاکی از آن است که

1- Mauchly's Test of Sphericity

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
 سال دوم شماره ۶، تابستان ۱۳۸۶

همبستگی متغیرهای وابسته در جامعه صفر نیست.

جدول (۱۰) نتایج تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر مربوط به آثار اصلی گروه و موقعیت خلقی بر عملکرد در تکالیف شناختی

سطح معناداری F	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع پراش	تکالیف شناختی
۰/۰۰۱	۲۳/۲۸	۳۰/۹۵	۳	۹۲/۸۷	گروه‌ها (بین آزمودنی‌ها)	درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت)
۰/۰۸	۳/۰۷	۰/۷۳	۱	۰/۷۳	موقعیت‌های خلقی (درون آزمودنی‌ها)	
۰/۱۲	۱/۹۵	۰/۴۷	۳	۱/۴۰	گروه × موقعیت خلقی (تعامل)	
۰/۰۰۱	۵/۹۴	۱۱/۷۴	۳	۳۵/۲۸	گروه‌ها (بین آزمودنی‌ها)	درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی)
۰/۰۰۱	۲۰/۵۶	۴/۹۵	۱	۴/۹۵	موقعیت‌های خلقی (درون آزمودنی‌ها)	
۰/۴۸	۰/۸۱	۰/۱۹	۳	۰/۵۹	گروه × موقعیت خلقی (تعامل)	
۰/۱۸	۱/۶۳	۶/۶۵	۳	۱۹/۹۵	گروه‌ها (بین آزمودنی‌ها)	یادآوری آزاد (واژه‌های مثبت)
۰/۸۲	۰/۰۵	۰/۱۵	۱	۰/۱۵	موقعیت‌های خلقی (درون آزمودنی‌ها)	
۰/۷۳	۰/۴۳	۱/۲۹	۳	۳/۸۸	گروه × موقعیت خلقی (تعامل)	
۰/۰۴	۲/۷۲	۱۲/۱۰	۳	۳۶/۳۱	گروه‌ها (بین آزمودنی‌ها)	یادآوری آزاد (واژه‌های منفی)
۰/۷۱	۰/۱۳	۰/۳۴	۱	۰/۳۴	موقعیت‌های خلقی (درون آزمودنی‌ها)	
۰/۵۶	۰/۶۸	۱/۷۳	۳	۵/۱۲	گروه × موقعیت خلقی (تعامل)	
۰/۰۰۱	۸/۱۰	۱۰/۴۹	۳	۳۱/۴۹	گروه‌ها (بین آزمودنی‌ها)	تکمیل داستان (محتوای مثبت)
۰/۰۰۱	۱۷/۱۱	۱۷/۰۷	۱	۱۷/۰۷	موقعیت‌های خلقی (درون آزمودنی‌ها)	
۰/۲۰	۱/۵۶	۱/۵۵	۳	۴/۶۶	گروه × موقعیت خلقی (تعامل)	
۰/۰۰۱	۶/۲۱	۹/۸۵	۳	۲۹/۵۵	گروه‌ها (بین آزمودنی‌ها)	تکمیل داستان (محتوای منفی)
۰/۰۰۱	۱۷/۷۴	۱۶/۸۰	۱	۱۶/۸۰	موقعیت‌های خلقی (درون آزمودنی‌ها)	
۰/۴۱	۰/۹۶	۰/۹۱	۳	۲/۷۳	گروه × موقعیت خلقی (تعامل)	

همان‌گونه که نتایج ارائه شده در جدول ۱۰ نشان می‌دهد آثار متغیر گروه و متغیر خلق بر تکالیف درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی، تکمیل داستان با محتوای مثبت و تکمیل داستان با محتوای منفی معنادار ($p < 0/001$) است. درباره تکالیف درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت و یادآوری واژه‌های منفی نیز تنها اثر متغیر گروه معنادار (به

ترتیب، $p < 0/001$ و $p < 0/05$ است؛ ولی تعامل متغیر گروه و متغیر خلق اثر معناداری بر عملکرد در هیچ یک از تکالیف شناختی ندارند.

پس از تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری، از سه آزمون t برای اندازه‌های همبسته، به منظور مقایسه عملکرد کل افراد نمونه در دو موقعیت خلقی برای تکالیفی استفاده شد که اثر موقعیت خلقی بر آنها معنادار بود؛ نتایج این آزمون‌های t برای اندازه‌های همبسته نشانگر آن است که درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی و تکمیل داستان با محتوای منفی، در موقعیت خلقی منفی نسبت به موقعیت خلقی مثبت (به ترتیب با $t(119) = -4/62$ ؛ $p < 0/001$ و $t(119) = -4/02$ ؛ $p < 0/001$)، و تکمیل داستان با محتوای مثبت در موقعیت خلقی مثبت نسبت به موقعیت خلقی منفی، بیشتر ($t(119) = 4/11$ ؛ $p < 0/001$) است.

به منظور مقایسه عملکرد افراد برون‌گرا و روان‌آزرده در تکالیف شناختی (پردازش اطلاعات هیجانی) در دو موقعیت خلقی مثبت و منفی، از چند آزمون t برای اندازه‌های همبسته استفاده شد. ابتدا به منظور مقایسه پردازش اطلاعات هیجانی مثبت (عملکرد در تکالیف شناختی با محتوای مثبت) افراد برون‌گرا، در دو موقعیت خلقی مثبت و منفی، از سه آزمون t برای اندازه‌های همبسته استفاده شد که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول (۱۱) نتایج آزمون‌های t برای مقایسه میانگین نمره‌های تکالیف شناختی (با محتوای مثبت) افراد برون‌گرا در دو موقعیت خلقی مثبت و منفی

تکالیف‌شناختی	شاخص‌ها موقعیت	میانگین نمره‌ها	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت	درجه آزادی	میزان t	سطح معناداری
درجه‌بندی احتمال (رویدادهای مثبت)	خلق مثبت خلق منفی	۵/۱۴ ۴/۹۰	۰/۰۷ ۱/۰۱	۰/۲۴	۰/۱۲	۲۹	۱/۹۷	۰/۰۵
یادآوری آزاد (واژه- های مثبت)	خلق مثبت خلق منفی	۵/۹۰ ۵/۵۲	۱/۷۷ ۱/۹۸	۰/۳۷	۰/۴۰	۲۹	۰/۹۱	۰/۳۷
تکمیل داستان (محتوی مثبت)	خلق مثبت خلق منفی	۴/۰۴ ۳/۰۶	۱/۰۲ ۱/۳۳	۰/۹۸	۰/۲۸	۲۹	۳/۴۱	۰/۰۰۲

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز ▶
 سال دوم شماره ۶، تابستان ۱۳۸۶ ▶

با توجه به نتایج جدول ۱۱، میانگین نمره درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت افراد برون‌گرا در موقعیت خلقی مثبت نسبت به موقعیت خلقی منفی، به گونه معناداری ($p < 0/058$) بیشتر است؛ در میزان یادآوری واژه‌های مثبت افراد برون‌گرا بین دو موقعیت خلقی مثبت و منفی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ همچنین میانگین نمره محتوای مثبت داستان تکمیل شده افراد برون‌گرا، در موقعیت خلقی مثبت نسبت به موقعیت خلقی منفی، به گونه معناداری ($p < 0/01$) بیشتر است.

به منظور مقایسه پردازش اطلاعات هیجانی منفی (عملکرد در تکالیف شناختی با محتوای منفی) افراد روان‌آزرده، در دو موقعیت خلقی مثبت و منفی، نیز از سه آزمون t برای اندازه‌های همبسته استفاده شد که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۱۲ ارائه شده است.

جدول (۱۲) نتایج آزمون‌های t برای مقایسه میانگین نمره‌های تکالیف شناختی (با محتوای منفی) افراد روان‌آزرده در دو موقعیت خلقی مثبت و منفی

تکالیف‌شناختی	شاخص‌ها موقعیت	میانگین نمره‌ها	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت	درجه آزادی	میزان t	سطح معناداری
درجه‌بندی احتمال (رویدادهای منفی)	خلق مثبت خلق منفی	۲/۹۸ ۳/۳۴	۰/۸۷ ۰/۹۲	-۰/۳۶	۰/۷۴	۲۹	-۲/۷۲	۱/۰۱
یادآوری آزاد (واژه‌های منفی)	خلق مثبت خلق منفی	۵/۴۳ ۵/۶۳	۱/۷۷ ۲/۸۴	-۰/۲۰	۲/۴۳	۲۹	-۰/۴۵	۰/۶۵
تکمیل داستان (محتوی منفی)	خلق مثبت خلق منفی	۲/۵۰ ۳/۱۷	۱/۳۶ ۱/۰۷	-۰/۶۷	۱/۴۳	۲۹	-۲/۵۶	۱/۰۱

با توجه به نتایج جدول ۱۲، میانگین نمره درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی افراد روان‌آزرده در موقعیت خلقی منفی نسبت به موقعیت خلقی مثبت، به گونه معناداری ($p < 0/01$) بیشتر است؛ در میزان یادآوری واژه‌های منفی افراد روان‌آزرده بین دو موقعیت خلقی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتایج سومین آزمون t نشان می‌دهد که میانگین نمره محتوای منفی داستان تکمیل شده در افراد روان‌آزرده، در موقعیت خلقی منفی نسبت به موقعیت خلقی مثبت، به گونه معناداری ($p < 0/01$) بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات پیشین (به عنوان، مثال راستینگ و لارسن، ۱۹۹۸؛ راستینگ، ۱۹۹۹؛ زلنسکی و لارسن، ۲۰۰۲) نشان داده‌اند که پردازش محرک هیجانی هم با حالت جاری خلق و هم با صفات شخصیتی پایدار مرتبط است؛ اما اغلب مطالعات تنها رابطه‌ی یکی از این دو متغیر (صفت یا حالت) را بر پردازش اطلاعات هیجانی بررسی نموده‌اند؛ از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش دو بعد شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزدگی‌گرایی در پردازش (یادآوری، قضاوت و تفسیر) اطلاعات هیجانی و نقش تعدیل‌کننده خلق دستکاری شده (مثبت و منفی) در این رابطه است.

با توجه به نتایج این پژوهش، در موقعیت خلقی مثبت، متغیر برون‌گرایی با درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت و محتوای مثبت داستان، رابطه‌ی مستقیم و معنادار و با یادآوری واژه‌های منفی و محتوای منفی داستان، رابطه‌ی معکوس و معنادار داشت و در موقعیت خلقی منفی، رابطه‌ی برون‌گرایی با درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت، مستقیم و معنادار بود و با هیچ‌یک از تکالیف دارای محتوای منفی رابطه‌ی معناداری نداشت. در هر دو موقعیت خلقی، متغیر روان‌آزدگی‌گرایی با درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی و محتوای منفی داستان، رابطه‌ی مستقیم و معنادار و با درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت و محتوای مثبت داستان، رابطه‌ی معکوس و معنادار داشت. بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، افرادی که در صفات شخصیتی برون‌گرایی و روان‌آزدگی‌گرایی، نمره‌های بالاتری می‌گیرند، نسبت به افرادی که نمره‌های پایین‌تری کسب می‌کنند، به ترتیب قضاوت و تفسیر مثبت‌تر و منفی‌تری دارند. قضاوت و تفسیر همگرا با صفت به دست آمده در پژوهش حاضر در راستای فرضیه همگرایی با صفت

(راستینگ، ۱۹۹۸)، با یافته‌های راستینگ و لارسن (۱۹۹۸)، راستینگ (۱۹۹۹)، گومز و همکاران (۲۰۰۲) و زلنسکی و لارسن (۲۰۰۲) و پاروت و همکاران (۲۰۰۵) همسویی دارد. مطابق با نظریه گری، مؤلفه زودانگیختگی برون‌گرایی، حساسیت بالا به نشانه‌های پاداش و اضطراب روان‌آزردگی‌گرایی، حساسیت بالا به نشانه‌های تنبیه را بازنمایی می‌کند (راستینگ، ۱۹۹۹). این حساسیت‌ها به پاداش و تنبیه می‌تواند در پردازش شناختی محرک‌های هیجانی نیز آشکار شود؛ به گونه‌ای که حساسیت بیشتر افراد برون‌گرد به نشانه‌های پاداش، احتمالاً منجر می‌شود که افراد برون‌گرد منابع شناختی بیشتری را برای پردازش این نشانه‌ها به کار گیرند و در نتیجه اطلاعات هیجانی مثبت بیشتری را پردازش کنند؛ افراد نوروز‌گرا نیز به نشانه‌های تنبیه حساسیت بیشتری دارند و بنابراین احتمالاً منابع شناختی بیشتری را به پردازش این نشانه‌ها اختصاص می‌دهند و در نتیجه اطلاعات هیجانی منفی بیشتری را پردازش می‌کنند (همان منبع). پردازش همگرا با صفت، می‌تواند نتیجه طرح‌واره‌های پایدار مرتبط با هیجان‌های خاصی که افراد برون‌گرا و روان‌آزرده مستعد آن هستند نیز باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر حمایت کمتری برای یادآوری همگرا با صفت ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که تنها رابطه بعد E در موقعیت خلقی مثبت، با یادآوری واژه‌های منفی، معکوس است؛ یادآوری ناهمگرا با صفت به دست آمده را می‌توان بر حسب ویژگی‌های خاص تکلیف مورد استفاده برای ارزیابی یادآوری در این پژوهش، توجیه نمود. یک ویژگی تکلیف یادآوری آزاد در پژوهش حاضر، این است که محرکی که در این تکلیف استفاده شده (یعنی فهرستی از واژه‌ها) ممکن است از لحاظ شخصی برای آزمودنی‌ها معنادار نباشند؛ به عنوان مثال، آزمودنی‌ها ابتدا محتوای هیجانی واژه‌هایی مانند محبوب، جذاب، غمگین و ناامید را درجه‌بندی و سپس آنها را یادآوری کرده‌اند. هم در پیشینه همگرایی با خلق و هم در پیشینه همگرایی با صفت، مطالعاتی که شیوه‌های رمزگردانی معطوف به خود^۱ را به کار برده‌اند (به عنوان مثال، برادلی و ماگ، ۱۹۹۴؛

1- self-referenced

دنی و هانت، ۱۹۹۲) تا محرک معنادارتر شخصی را ایجاد کنند، آثار همگرایی با خلق قوی‌تری را به دست آورده‌اند. در این مطالعات، فهرستی از صفات در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده شد و در ابتدا آزمودنی‌ها می‌بایست میزان آن صفات را در مورد خودشان ارزیابی و در مرحله بعد نیز آن را یادآوری می‌کرده‌اند.

نتایج تحلیل‌ها نشان دهنده اثر معنادار متغیر خلق بر قضاوت مثبت و منفی، و تفسیر مثبت است؛ همچنین نتایج نشانگر آن است که افراد در موقعیت خلقی مثبت در مقایسه با موقعیت خلقی منفی، به قضاوت مثبت‌تر، و در موقعیت خلقی منفی نسبت به موقعیت خلقی مثبت، به قضاوت و تفسیر منفی‌تر پرداخته‌اند؛ اما اثر موقعیت‌های خلقی بر یادآوری واژه‌های مثبت و واژه‌های منفی معنادار نبود. با توجه به نتایج تحلیل‌های آماری در این پژوهش، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، افراد برون‌گرا در موقعیت خلقی مثبت در مقایسه با موقعیت خلقی منفی، قضاوت (درجه‌بندی احتمال رویدادهای مثبت) و تفسیر (محتوای مثبت داستان) مثبت‌تر و افراد روان‌آزرده در موقعیت خلقی منفی در مقایسه با موقعیت مثبت، قضاوت (درجه‌بندی احتمال رویدادهای منفی) و تفسیر (محتوای منفی داستان) منفی‌تری داشتند. قضاوت و تفسیر همگرا با خلق به دست آمده، از فرضیه همگرایی با خلق (باور، ۱۹۹۱، ۱۹۸۱) حمایت می‌کند و با نتایج پژوهش فورگاس (۱۹۹۰)، مایر و همکاران (۱۹۹۲)، مایر و هانسون (۱۹۹۵) و باربر (۲۰۰۱) همسو است. با توجه به نظریه گری (۱۹۷۱، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۷؛ به نقل از راستینگ، ۱۹۹۹)، می‌توان گفت که حساسیت به پاداش در افراد برون‌گرا، آنها را به پردازش بیشتر اطلاعات هیجانی مثبت، و حساسیت به تنبیه در افراد روان‌آزرده، آنها را به پردازش بیشتر اطلاعات هیجانی منفی مستعد می‌کند و طبق نظریه شبکه عاطفی باور (۱۹۹۱، ۱۹۸۱)، ساختار شناختی آنها به گونه‌ای است که برون‌گراها می‌توانند شبکه‌های تداعی گسترده‌تری برای مواد هیجانی مثبت و افراد روان‌آزرده نیز می‌توانند تداعی‌های گسترده‌تری برای هیجان‌های منفی داشته باشند و بنابراین در شرایط خلق مثبت یا منفی ارتباط‌های میانی آنها به راحتی فعال می‌شود و به سرعت

به گره‌های هیجانی دارای ارزش هیجانی مشابه گسترش می‌یابد و بر حافظه و قضاوت همگرا با هیجان تأثیر می‌گذارد. باور (۱۹۸۱ و ۱۹۹۱) و فورگاس و باور (۱۹۸۸)؛ به نقل از فورگاس، (۱۹۹۵) عاطفه را به عنوان تحریک‌کننده^۱ مطرح نموده‌اند و معتقدند که القا عاطفه به واسطه تحریک انتخابی مقوله‌های شناختی مشابه یا مرتبط، عمل می‌کند. کلور^۲ (۱۹۹۳)؛ به نقل از فورگاس، (۱۹۹۴) در الگوی خود، فرض می‌کند که حالت‌های خلقی یک نقش اطلاعاتی مستقیم دارند؛ به گونه‌ای که قضاوت‌کنندگان، عاطفه را به عنوان یک نشانه اکتشافی برای تعیین واکنش‌های خود به هدف به کار می‌گیرند.

در واقع با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که حالت‌های خلقی، اثر شخصیت بر پردازش اطلاعات هیجانی را تعدیل می‌کند؛ زیرا افراد برون‌گرا در موقعیت خلقی مثبت در مقایسه با موقعیت خلقی منفی، قضاوت و تفسیر مثبت‌تر و افراد روان‌آزرده در موقعیت خلقی منفی در مقایسه با موقعیت مثبت، قضاوت و تفسیر منفی‌تری داشتند. این یافته با نتایج راستینگ (۱۹۹۹) و زلنسکی و لارسن (۲۰۰۲) ناهمسو است. آنها در مطالعه‌ای که آثار شخصیت بر پردازش اطلاعات هیجانی را به هنگام خلق طبیعی بررسی می‌نمودند، به این نتیجه دست یافتند که آثار شخصیت بر پردازش اطلاعات هیجانی، به وسیله حالت‌های خلقی جاری تعدیل نمی‌شود. راستینگ و لارسن (۱۹۹۸) بر این باورند که وقتی خلق در حالت طبیعی است، ابعاد شخصیتی (و نه حالت‌های خلقی)، پردازش اطلاعات هیجانی را پیش‌بینی می‌کنند. راستینگ (۱۹۹۹)، در مطالعه‌ای که حالت خلقی مثبت و منفی را قبل از تکمیل تکالیف شناختی، القا نموده بود، به این نتیجه دست یافت که دستکاری خلق به کار رفته، نسبت به اندازه‌های خلقی طبیعی، به آثار خلقی قوی‌تری منجر می‌شود. به اعتقاد گومز و همکاران (۲۰۰۲)، ابعاد شخصیت احتمال دارد که در پیش‌بینی پردازش اطلاعات هیجانی مهم‌تر از حالت‌های خلقی باشند؛ اما می‌توان گفت که همان‌گونه که در پژوهش حاضر نیز مشاهده می‌شود، آثار خلقی قوی‌تر که به وسیله شیوه‌های مختلف

1- priming

2- Clore

القا خلق ایجاد می‌شود، آثار صفات شخصیتی پایدار را بر پردازش اطلاعات هیجانی کاهش می‌دهد و امکان تعامل خلق و شخصیت را برای اغلب متغیرهای شناختی به دست می‌دهد.

با توجه به نتایج، محتوای هیجانی واژه‌های یادآوری شده افراد برون‌گرا و افراد روان‌آزرده بین دو موقعیت خلقی مثبت و منفی تفاوتی نداشت. این نتیجه با یافته‌های آیزن و همکاران، (۱۹۷۸) و مایر و همکاران (۱۹۹۵) ناهم‌هنگ است. این ناهم‌سویی می‌تواند نتیجه تکلیف مورد استفاده در این پژوهش باشد. نتایج مطالعه مروری بلینی (۱۹۸۶) در رابطه با عاطفه و حافظه نیز بیانگر آن است که آثار همگرایی با خلق تنها در تکالیف معطوف به خود، قابل دستیابی است. مشابه با برخی یافته‌ها (بلینی، ۱۹۸۶؛ اربور و اربور، ۱۹۹۴)، تنظیم خلق نیز ممکن است در وقوع یادآوری ناهمگرا با خلق، نقش مهمی ایفا کرده باشد. به اعتقاد پاروت و سابینی (۱۹۹۰)، یادآوری ناهمگرا با خلق زمانی اتفاق می‌افتد که آزمودنی‌ها برای القا خلق تلاش نمی‌کنند و از ارتباط خلقشان با آزمایش آگاه نیستند. در پژوهش حاضر نیز به آزمودنی‌ها درباره ارتباط خلق با آزمایش آگاهی داده نشده بود.

نتایج پژوهش حاضر علاوه بر این که از لحاظ بنیادی، به روشنگری در مورد ابهام‌های موجود در زمینه رابطه بین متغیرهای مطرح شده در حوزه شخصیت، عاطفه و شناخت می‌پردازد، بیانگر این نکته است که قلمرو شخصیت، عاطفه و شناخت، بسیار گسترده است و به کارگیری روش‌های پژوهش دیگر و گزینش متغیرهای گوناگون در این گستره، می‌تواند به روشنگری هرچه بیشتر روابط بین آنها کمک کند.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۸۶/۲/۸

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۸۶/۶/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۸/۷

References

منابع

- Barber, N. (2001). Gender Differences in Effects of Mood on Body Image. *Academic Research Library*. 44(1/2), 99-108.
- Blaney, P.H. (1986). Affect and Memory: A Review. *Psychological Bulletin*. 99, 229-246.
- Bower, G.H. (1981). Mood and Memory. *American Psychologists*. 36, 129-148.
- Bower, G.H. (1991) How Might Emotions Affect Learning? In S. Christianson (Ed.), *The Handbook of Emotion and Memory*. (pp.3-31). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Bradley, B. P. & Mogg, K. (1994). Mood and Personality in Recall of Positive and Negative Information. *Behavior Research Therapy*. 32(1).137-141.
- Costa, P. T. & McCrae, R. R. (1980). Influence of Extraversion and Neuroticism on Subjective Well-being: Happy and Unhappy People. *Journal of Personality and Social Psychology*. 38, 668- 678.
- Denny, E.B., & Hunt, R. R. (1992). Affective Valence and Memory in depression: Dissociation of Recall and Fragment Completion. *Journal of Abnormal Psychology*. 101, 575-580.
- Direnfeld, D. & Roberts, J.E. (2006). Mood Congruent Memory in Dysphoria: The Roles of State Affect and Cognitive Style. *Behaviour Research and Therapy*. 44 1275-1285
- Erber, R.; Erber, M.W. (1994). Beyond Mood and Social Judgement: Mood Incongruent Recall and Mood Regulation. *European Journal of Social Psychology*. 24, 79-88.
- Eysenck, H.J., & Eysenck, S.B.G. (1991). Manual of Eysenck Personality Scales (ESP Adult). London: Hodder & Stoughton.
- Eysenck, H.J. (1967). *The Biological Basis of Personality*. Springfield, IL: Charles C Thomas.
- Eysenck, S.B.G.; Eysenck, H. J., & Barret, P. (1985). A Revised Version of the Psychoticism Scale. *Personality and Individual Differences*. 6, 21-29.

- Ferraro, F.R.; Brent, K.; Ronning, B.; Pekarski, K. & Risan, J. (2003). Effects of Induced Emotional State on Lexical Processing in Younger and Older Adults. *The Journal of Personality*. 137, (3), 262-272.
- Forgas, J.P. (1990). Affective Influences on Individual and Group Judgments. *European Journal of Social Psychology*. 20, 441-453.
- Forgas, J.P. (1994). The Role of Emotion in Social Judgments: an Introductory Review and an Affect Infusion Model (AIM). *European Journal of Social Psychology*. 24, 1-24.
- Forgas, J.P. (1995). Mood and Judgment: The Affect Infusion Model (AIM). *Psychological Bulletin*. 117, 39-66.
- Forgas, J. P., Bower, G. H., & Krantz, S. E. (1984). The Influence of Mood on Perceptions of Social Interactions. *Journal of Experimental Social Psychology*. 20, 497-513.
- Fullam, R. & Dolan, M. (2006). Emotional Information Processing in Violent Patients with Schizophrenia: Association with Psychopathy and Symptomatology. *Psychiatry Research*. 141, 29-37.
- Gomez, R.; Cooper, A. & Gomez, A. (2000). Susceptibility to Positive and Negative Mood States: Test of Eysenck, S, Gray's and Newman's Theories. *Personality and Individual Differences*. 29, 351- 365.
- Gomez, R.; Gomez, A & Cooper, A. (2002). Neuroticism and Extraversion as Predicators of Negative and Positive Emotional Information Processing: Comparing Eysenck's, Gray's, and Newman's Theories. *European Journal of Personality*. 16, 333- 350.
- Gomez, A. and Gomez, R. (2002). Personality Traits of Behavioural Approach and Inhibition Systems: Associations with Processing of Emotional Stimuli. *Personality and Individual Differences*. 32, 1299-1316.
- Gray, J.A. (1981). A Critique of Eysenck's Theory of Personality. In H.J. Eysenck (Ed), *A Model for Personality*. (pp. 246- 272). New York: Springer
- Isen, A.H., Shalke, T.E., Clark, M., & Karp, L. (1978). Affect, Accessibility of Material in Memory, and Behavior: A Cognitive Loop? *Journal of Personality and Social Psychology*. 36, 1-12.

- Jansson, B. & Lundh, I. G. (2006). The Interactive Role of Worried Mood and Trait Anxiety in the Selective Processing of Subliminally Presented Threat Words. *Personality and Individual Differences*. 41, 1195-1204.
- Josephson, B.R., Rose, R. D. & Singer, J. A. (1999-2000). Thought Sampling After Mood Induction in Depressed vs. Non Depressed College Students. *Imagination, Cognition and Personality*. 19 (1), 27-23.
- Larsen, R. & Ketelaar, T. (1991). Personality and Susceptibility to Positive and Negative Emotional States. *Journal of Personality and Social Psychology*. 61(1), 132-140.
- Larsen, R.J. & Ketelaar, T. (1989). Extraversion, Neuroticism, and Susceptibility to Positive and Negative Mood Induction Procedures. *Personality and Individual Differences*. 10 (12), 1221-1228.
- Mayer, J.D., Allen, J.P., & Beauregard, K. (1995). Mood Inductions for four Specific Moods: A Procedure Employing Guided Imagery Vignettes with Music. *Journal of Mental Imagery*. 19 (1&2), 133-150.
- Mayer, J.D., Gaschke, Y.N., Braverman, D.L., & Evans, T.W. (1992). Mood-congruent Judgment is a General Effect. *Journal of Personality and Social Psychology*. 63, 119-132.
- Parrot, W.G., Sabini, J. (1990). Mood and Memory Under Natural Conditions: Evidence for Mood Incongruent Recall. *Journal of Personality and Social Psychology*. 59 (2), 321-336.
- Parrott, D.J., Zeichner, A. & Evces, M. (2005). Effect of Trait Anger on Cognitive Processing of Emotional Stimuli. *The Journal of General Psychology*. 132, 1, 67- 80.
- Robinson, M. D., Ode, S., Moller, S. K. & Gotez, P.W. (2007). Neuroticism and Affective Priming: Evidence for a Neuroticism-linked Negative Schema. *Personality and Individual Differences*. 42, 1221-1231.
- Rusting, C. L. & Larsen, R. (1997). Extraversion, Neuroticism, and Susceptibility to Positive and Negative Affect: A Test of two Theoretical Models. *Personality and Individual Differences*. 22(5). 607- 612.

- Rusting, C.L. & Larsen, R.J. (1995). Moods as Sources of Stimulation: Relationships Between Personality and Desired Mood States. *Personality and Individual Differences*. 18 (3), 321-329.
- Rusting, C.L. & Larsen, R. J. (1998). Personality and Cognitive Processing of Affective Information. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 24, 200-213.
- Rusting, C.L. (1998). Personality, Mood, and Cognitive Processing of Emotional Information: Three Conceptual Frameworks. *Psychological Bulletin*. 124, (2), 165- 196.
- Rusting. C.L. (1999). Interactive Effects of Personality and Mood on Emotion-congruent Memory and Judgment. *Journal of Personality and Social Psychology*. 77 (5) 1073-1086.
- Smith, S.M. & Petty, R. (1995). Personality Moderators of Mood Effects on Cognition: The Role of Self-esteem and Negative Mood Regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*. 68 (6), 1092- 1107.
- Taimer, M., & Robinson, M.D. (2004). Knowing Good from Bad: The Paradox of Neuroticism, Negative Affect and Evaluative Processing. *Journal of Personality and Social Psychology*. 87 (6), 913-925.
- Watson, D., Clark, L.A., & Tellegen, A. (1988). Development and Validation of Brief Measures of Positive and Negative Affect: The PANAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*. 54, 1063-1070.
- Zeleneski, J. M. & Larsen, R. (2002). Predicating the Future: How Affect – Related Personality Traits Influence Likelihood Judgments of Future Events. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 28 (7), 1000-110.